

نیروی دریایی سربلند

چهارشنبه ۸ آذر ۱۴۰۲
۲۹ نوامبر ۲۰۲۳ / شماره ۱۷۶۹ / ۵۰۰۰ تومان



رئیس مجلس قانون جدید بانک مرکزی را ابلاغ کرد افزایش اقتدار بانک مرکزی

مصباحی مقدم: گام بلند مجلس برای سالم سازی سیستم بانکی کشور



سرمقاله

بحران ساختگی

رافائل گروسی، سیاسی کارترین رئیس سازمان بین المللی انرژی اتمی در حالی با ایجاد بحران ساختگی ممنوعیت فعالیت بازسان هسته ای از سوی ایران را «ضربه ای جدی» به کارآژانس می داند که ضربه جدی به اعتبار و حیثیت آژانس آنجا وارد شد که صدایی از این نهاد بین المللی و رئیس آن نسبت به تهدیدهای علنی رژیم صهیونیستی درباره حمله هسته ای به غزه بلند نشد و نسبت به کلاهک های اتمی متعددی که این رژیم دارد و به طور آشکارا در به کارگیری آن علیه بشریت سخن می گوید، احساس خطر و ابراز نگرانی نمی کند!

اما همین گروسی که بارها بر اساس مدارک جعلی رژیم جعلی صهیونیستی علیه ایران پرونده سازی کرده است، هر چند که تأکید می کند ایران تسلیحات هسته ای ندارد؛ اما باز بر اساس رفتار سیاسی خود و بازی در زمین صهیونیست ها و غرب، توانمندی های هسته ای ایران را نگران کننده توصیف می کند.

رژیم صهیونیستی پس از عملیات طوفان الاقصی تاکنون معادل دو بمب اتمی را بر سر مردم غزه آوار کرده است؛ اما متحدانش طبق معمول، چشم خود را بر این جنایت حقوق بشری می بندند. در مقابل میدان داری غرب برای خون خواری و خون ریزی صهیونیست ها در غزه، فعالیت صلح آمیز هسته ای ایران که حق مسلم هر کشوری است را زیر سوال می برند.

گروسی در حالی همواره ادعاهای واهی خود را بر مبنای اسناد بی اعتبار جاسوسی در هر نشست و گفت و گویی تکرار می کند که خود در این مصاحبه در اعترافی می گوید: «خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ باعث «بلا تکلیفی» این توافق شده است»، و او خود در گفت و گو با تلویزیون «فرانس ۲۴» تصدیق می کند که گام های ایران برای کاهش تعهداتش در چارچوب بندهایی از برجام بوده که به ایران اجازه می دهد در صورت عدم پایبندی هریک از طرف ها به مفاد توافق، تعهدات هسته ای خود را کاهش دهد.

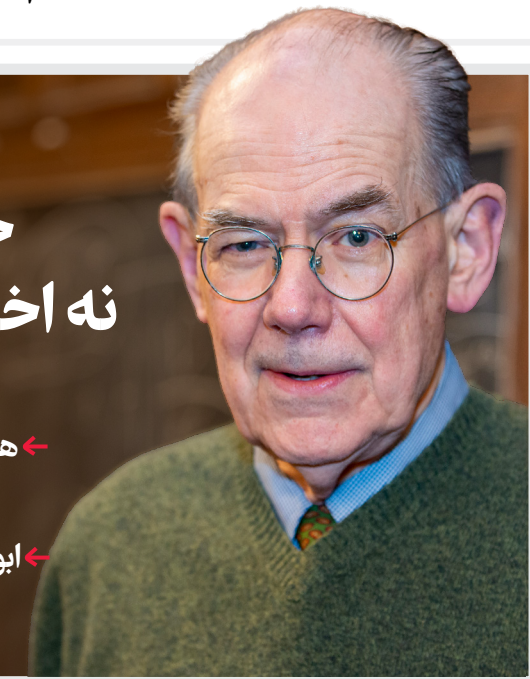
با این حال رئیس سیاسی آژانس، یک طرفه ایران را برای کاهش تعهداتش که پاسخی به بدعهدی طرف های غربی است، محاکمه می کند و می گوید: «اگر فعالیت راستی آزمایی و نظارت بازسان آژانس رضایت بخش نباشد، ممکن است کار به شورای امنیت برسد.»

ایران همواره با آژانس بین المللی انرژی اتمی نهایت همکاری را داشته است تا جایی که ماه های اولیه سال جاری، دو پرونده ادعایی آژانس با همکاری ایران بسته شد و دوربین های آن نیز به تأسیسات هسته ای ایران بازگشت. اما تجربه نشان داده است که نوع موضع گیری و مواضع آژانس نسبت به برنامه های هسته ای ایران، نه بر اساس همکاری های ایران، بلکه بر اساس مناسبات سیاسی میان ایران و غرب تنظیم می شود و رافائل گروسی تنها در نقش کارگردان ناشیانه ای در صحنه تقابل با جمهوری اسلامی ایران عمل می کند.

آژانس ۲۰ سال است که ادعاهای تکراری درباره ایران مطرح می کند، در حالی که بیشترین بازندها را نیز از تأسیسات هسته ای ایران داشته است، اتهاماتی که نه فنی، بلکه سیاسی و فرآبادمانی است و هیچ گاه تمامی ندارد.

صبح نو به بررسی راه های افزایش مشارکت انتخاباتی پرداخته است

به سوی رقابت جناح چپ - جناح راست می رویم؟



دشواری های ژانر معمایی در سریال سازی ایرانی

سریال بی قصه

«مرداب»: یک سرگرمی عامه پسند



جان مرشایمر: حمایت آمریکا از اسرائیل نه اخلاقی است نه استراتژیک

← هراس رژیم اسرائیل از فروپاشی اجتماعی و اقتصادی
← شعیب بهمن: سقوط قریب الوقوع نتانیا هو
← ابوالفتح: رژیم صهیونیستی حامیانش را از دست داده

۵۰۴ ←



رهبر انقلاب در دیدار فرماندهان نادجا از سفر ۳۶۰ درجه به دور دنیا تمجید کردند

نیروی دریایی سربلند

مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی دریایی ارتش، ۷ آذر را یک روز تاریخی و فراموش‌نشدنی خواندند و افزودند: «این روز باید به‌عنوان روز فداکاری نیروی دریایی ارتش معرفی شود.» آیت‌الله خامنه‌ای، فرمانده کل قوا ظهر دیروز در دیدار فرمانده کل ارتش و جمعی از فرماندهان نیروی

دریایی ارتش جمهوری اسلامی با اشاره به ظرفیت‌های فراوان در نیروی دریایی ارتش به‌خصوص ظرفیت این نیرو برای کمک به اجرای سیاست‌های اقتصاد دریا محور، بر لزوم کشف ظرفیت‌های جدید به‌منظور افزایش اقتدار نظام و کشور و همچنین ایجاد نشاط و امید در جامعه تأکید کردند.

۷ آذر باید به‌عنوان روز فداکاری نیروی دریایی ارتش معرفی شود

رهبر انقلاب اسلامی در این دیدار که به مناسبت ۷ آذر، روز نیروی دریایی ارتش برگزار شد، ۷ آذر را یک روز تاریخی و فراموش‌نشدنی خواندند و افزودند: «این روز باید به‌عنوان روز فداکاری نیروی دریایی ارتش معرفی شود.» ایشان پیشرفت‌های نیروی دریایی ارتش از ابتدای انقلاب تاکنون را چشمگیر و غیرقابل باور خواندند و گفتند: «در سال‌های اول انقلاب، حضور نیروی دریایی ارتش فراتر از آب‌های سرزمینی غیرقابل تصور بود؛ اما اکنون نیروی دریایی ارتش با قدرت و صلابت، سفر ۳۶۰ درجه به دور دنیا انجام می‌دهد و با سربلندی به کشور باز می‌گردد.» مقام معظم رهبری افزودند: «یک روزی تصور نمی‌شد که نیروی دریایی ارتش، امکان حضور در دریای خزر داشته باشد؛ اما اکنون در سواحل دریای خزر ناوشکن ساخته و در آنجا به آب انداخته می‌شود.»

نیروی دریایی ارتش موجب ایجاد امید و نشاط در میان جوانان شود

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر ارتقای بیش از پیش توان و آمادگی‌های رزمی نیروی دریایی ارتش با استفاده از ظرفیت‌های این نیرو خاطر نشان کردند: «یکی از ظرفیت‌های نیروی دریایی ارتش که می‌تواند موجب ایجاد امید و نشاط در میان جوانان شود، زمینه‌سازی برای امکان بازدید اردوهای راهبان پیشرفت از کارخانه‌ها و توانمندی‌های این نیرو است.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بیان کردند: «باید تلاش شود تا نیروی دریایی ارتش یک نیروی راهبردی، به صورت جامع باشد.»

گسترش حوزه نفوذ در دریا و تکیه بر فناوری و دانش

در این دیدار امیر دریادار شهرام ایرانی، فرمانده نیروی دریایی ارتش ضمن ارائه گزارشی از توانمندی‌ها و فعالیت‌های این نیرو، از ابلاغ سیاست‌های توسعه دریا محور تشکر و قدردانی و بر آمادگی نیروی دریایی ارتش برای کمک به اجرای این سیاست‌ها تأکید کرد. فرمانده نیروی دریایی ارتش، گسترش حوزه نفوذ در دریا و تکیه بر فناوری و دانش را دو سیاست اصلی این نیرو در جهت تقویت مؤلفه‌های قدرت نظام برشمرد.

نگاه

رئیس مجلس قانون جدید بانک مرکزی را ابلاغ کرد

افزایش اقتدار بانک مرکزی

پس از گذشت بیش از ۵ سال از تصویب قانون پولی و بانکی در سال ۱۳۵۱، برای اولین بار در مجلس یازدهم با هدف اصلاح قوانین حوزه بانک مرکزی، طرح بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در دستور کار قرار گرفت. این طرح در ۶۷ ماده، سال گذشته، قبل از بررسی لایحه بودجه به تصویب نمایندگان مجلس رسید؛ اما در مجموع چهار بار بین مجلس و شورای نگهبان رفت و برگشت داشت و در نهایت مجلس بر پنج مصوبه خود که جزو ایرادات شورای نگهبان بود، اصرار کرد و طرح برای تعیین تکلیف به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد.

در نهایت روز گذشته، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به رئیس‌جمهور، قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران را ابلاغ کرد. افزایش استقلال و اقتدار بانک مرکزی برای نظارت بر بانک‌های ناتراز از مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در این قانون جدید است. گفتنی است که موارد اختلافی در چند جلسه مجمع بررسی و اصلاح شد و در نهایت در ۲۹ آبان ماه به مجلس شورای اسلامی ابلاغ و در نهایت امروز از سوی رئیس مجلس به دولت ابلاغ شد.

افزایش اقتدار بانک مرکزی

همان‌طور که در شماره ۱۷۵۳ «صبح‌نو» هم عنوان شد، طرح قانون بانک مرکزی که با هدف اصلاح ساختار و نظام تصمیم‌گیری، افزایش اقتدار بانک

مرکزی و بهبود درجه استقلال بانک مرکزی از دولت و بانک مرکزی در مجلس شورای اسلامی تدوین شد، هرچند در مسیر تصویب با اختلاف نظرهای مجلس و شورای نگهبان روبه‌رو شد؛ اما در نهایت با نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام به قانون تبدیل شد. طرحی که هدفش «ارتقای استقلال، اقتدار، کارآمدی و پاسخگویی بانک مرکزی» و نیاز قطعی امروز اقتصاد ایران است.

نمایندگان مجلس به‌درستی متوجه این واقعیت شده‌اند که تا بانک مرکزی اصلاح نشود، نظام بانکی کشور اصلاح نخواهد شد و تا نظام بانکی اصلاح نشود، اقتصاد ایران روی خوش نخواهد دید.

در نظام حکمرانی کشور، بانک مرکزی دقیقاً مشابه یک دستگاه اجرایی معمولی در نظر گرفته شده بود و در عمل، به خزانه دوم دولت و رئیس‌کل آن، به کارمند رئیس‌جمهور تبدیل شده است.

از این‌رو طرح مجلس به دنبال آن است که بانک مرکزی برای اینکه بتواند معضل مزمن نقدینگی افسارگسیخته را در اقتصاد ایران مدیریت کند و بر شبکه بانکی کشور مسلط شود، نیازمند یک هسته تصمیم‌گیر متخصص، تمام‌وقت و برخوردار از استقلال رأی است؛ چراکه نتیجه عملکرد بانک مرکزی وابسته به دولت طی سالیان متمادی، رشد بیشتر از ۱۰ هزار درصدی نقدینگی در کنار رشد کمتر از چهل درصدی تولید ناخالص داخلی بوده است.

پیرو اصلاحات صورت گرفته در قانون فوق، اشراف بانک مرکزی نسبت به عملکرد بانک‌های خصوصی و دولتی افزایش یافت، همچنین ابزار قانونی جهت نظم و انضباط‌دهی مالی بانک‌ها بیشتر شد. تغییرات نظام بانکی پیرو مصوبات مجلس موجب افزایش اقتدار و استقلال بانک مرکزی در مدیریت نظام بانکی کشور خواهد شد.

نمونه‌هایی از بهبود قانون جدید

طبق قانون جدید، اعضای شورای پول و اعتبار جای خود را به سه عضو اجرایی (رئیس‌کل بانک مرکزی، معاون سیاست‌گذاری پولی رئیس‌کل و معاون نظارتی وی) و ۶ عضو غیراجرایی خواهند داد. همه این ۹ عضو باید دارای حداقل ۱۰ سال تجربه مفید در حوزه‌های اقتصادی، مالی یا بانکداری بوده و معتقد به بانکداری اسلامی و مسلط بر روش‌های اجرای آن باشند.

همچنین سه نفر از اعضای غیراجرایی باید اقتصاددان متخصص در حوزه سیاست‌گذاری پولی و اقتصاد کلان و سه نفر دیگر متخصص در حوزه بانکداری و حقوق بانکی باشند. ضمناً همه اعضای هیأت عالی باید به صورت تمام‌وقت در خدمت بانک مرکزی باشند و حق اشتغال به هیچ مسئولیت دیگری را ندارند. دو سال قبل از تصدی مسئولیت نباید با شبکه بانک‌های خصوصی و شرکت‌های وابسته به آنها ارتباط سهام‌داری، مدیریتی، مشاوره‌ای و... داشته باشند و تا دو سال پس از خاتمه عضویت در شورا نیز هرگونه همکاری آنها با بانک‌ها و شرکت‌های وابسته به آنها ممنوع است. همه اعضای غیراجرایی نیز مستقیماً توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌شوند و هر دو سال، دو نفر از آنها تغییر می‌کنند.

اختیار نام بانک مرکزی در برابر بانک‌های ناسالم

با در نظر گرفتن قانون فوق، بانک مرکزی با اختیارات تام می‌تواند جلوی بانک‌های ناسالم ایستاده و برخورد لازم را اعمال کند؛ چراکه تدابیر لازم در رابطه با نحوه عملکرد بانک‌های ناسالم در این قانون پیش‌بینی شد، البته باید به این نکته اشاره کرد که بانک مرکزی همواره باید نسبت به عملکرد بانک‌های ناسالم در قبال ناترازی بانکی و اقدامات غیرقانونی، برخورد لازم را داشته باشد.



سالم‌سازی بانک‌ها

حجت‌الاسلام مصباحی مقدم تصریح کرد: «اخیراً بانک مرکزی اعمال نظارت قوی‌تری می‌کند؛ اما باز هم بانک‌ها جلوی تأثیرگذاری اقدامات بانک مرکزی را می‌گیرند.» وی اظهار کرد: «این قانون، دست بانک مرکزی را در نظارت از بانک‌ها و جلوگیری از بروز ناترازی و پیگیری سالم‌سازی بانک‌ها باز می‌کند و در راستای سالم‌سازی سیستم بانکی کشور، گام بلندی برداشته می‌شود.»

گفت‌وگو

حجت‌الاسلام مصباحی مقدم در گفت‌وگو با «صبح‌نو» مطرح کرد

گام بلند مجلس برای سالم‌سازی سیستم بانکی کشور

حجت‌الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفت‌وگو با «صبح‌نو» اظهار کرد: «من در مورد تبیین طرح مربوط به قانون بانک مرکزی از گذشته در جریان هستم که مجلس شورای اسلامی به این عرصه ورود پیدا کرد و از مجلس نهم این مورد ادامه داشت تاکنون که این قانون با همت تمام و کمال مجلس به ثمر رسیده است.»

وی با بیان اینکه آنچه ما در مجلس هفتم تاکنون دنبال می‌کردیم، استقلال بانک مرکزی بود، ادامه داد: «این قانون، استقلال بانک مرکزی را تا میزان زیادی تأمین می‌کند و مانع دست‌درازی دولت‌ها به بانک مرکزی است.» عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، اقتدار بانک مرکزی را منبع رشد پایه پولی خواند و گفت: «نکته دیگر مسأله اقتدار بانک مرکزی است که با این قانون گام بزرگی به سمت این مهم برداشته شده است.»

کمبود کفایت سرمایه بانکی

حجت‌الاسلام مصباحی مقدم خاطر نشان کرد: «قانون بانک مرکزی از سال ۱۳۵۱ اقتدار لازم برای ساماندهی بانک‌ها و کنترل آنها را نداشت و نتیجه آن بی‌انضباطی بانک‌ها بود.» وی افزود: «شاهد بودیم که بانک‌ها از کفایت سرمایه لازم برخوردار نبودند و حداقل کفایت لازم هشت درصد بود.»

ما هنوز نتوانسته‌ایم هشت درصد را تأمین کنیم و برخی از بانک‌ها هم در ۱۰ سال گذشته با کفایت سرمایه منفی بودند.» عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام یادآور شد: «بنگاه‌داری بانک‌ها عیوب جدی بانک‌ها بودند و بانک‌ها در این زمینه بی‌انضباط عمل کرده و از بانک مرکزی استقراض می‌کردند تا اینکه یک حساب بین‌بانکی راه‌اندازی شد و ناترازی‌ها کمی تخفیف پیدا کرد.»

شدن به چنین فضایی است. این رقابت البته موانعی چون گروه های افراطی سیاست دارد. این گروه های افراطی اساساً احساس چندانی به مشارکت ندارند و به همین دلیل یا به دنبال رقیب کردن رقابت هستند یا می خواهند رقابت جناح راست و چپ را به رقابت درون گروهی تقلیل دهند.

در کنار رقابت، کارآمدی هم از عوامل موثر در مشارکت بالا و خوب است. ناامید کردن جامعه از کارکرد نهادها که منجر به بی اعتمادی و حتی بی تفاوتی جامعه می شود از موانع اصلی مشارکت بالا است. مهم ترین تهدید کارآمدی علاوه بر مشکلات یک نهاد انتخابی، کمپین منفی مخالفان سیاسی است؛ به گونه ای که ازل این تخریب، نفی کارآمدی آن نهاد حاصل شود که نتیجه جزئیات جامعه نخواهد داشت؛ شبیه رویکرد برخی از اصلاح طلبان به دولت و مجلس که ناشی از یک جنبه نگری و برخی اوقات بی انصافی نسبت به عملکرد این نهادهاست. برای مثال این جناح سیاسی کمتر اشاره ای به ورود مجلس در مسائل مهم و اصلاحات و قوانینی که انجام داده داشته اند و یا نسبت به برخی توفیقات دولت چشم های خود را بسته اند که در نهایت موجب ناامیدی جامعه از کارآمدی نهادها می شود. البته عملکرد دولت روحانی هم در این نگرش اثر داشته است.

تأثیر عملکرد روحانی در مشارکت

این تأثیر در مورد عملکرد دولت روحانی تا جایی بود که برخی اصلاح طلبان هم به آن معترف بودند.

علی صوفی، دبیرکل حزب پیشروی اصلاحات ۳۱ فروردین امسال، با اشاره به احتمال حضور لیستی منتسب به حسن روحانی، رئیس جمهور سابق در انتخابات مجلس امسال، گفت: «دولت دوم آقای روحانی علاوه بر اینکه به تعهدات خود عمل نکرد، عقبه رأی خود را کاملاً و عمداً از دست داد و به آن بی اعتنایی کرد.»

این فعال اصلاح طلب افزود: «دولت حتی از تصمیم گرفته شده برای بنزین اظهار بی اطلاعی کرد. آقای روحانی گفت که صبح فلان روز متوجه افزایش قیمت بنزین شده است. آقای نوبخت هم در پاسخ گفت از کارشناسان بپرسید.»

روحانی که به وسیله اصلاح طلبان در مصدر ریاست جمهوری نشست، وعده های فراوانی داد که به باور کارشناسان و طبق آنچه مردم دیدند، بسیاری از آنها عملی نشد.

یکی از وعده های دولت روحانی، کاهش پایدار تورم بود. با آنکه دولت تدبیر و امید در دوره اول با بهره گیری از ابزارهای مقطعی همچون افزایش نرخ بهره بانکی، موفق شد نرخ تورم را موقتاً تک رقمی کند؛ اما بی توجهی دولت به اصلاح اساسی ساختارهای اقتصاد باعث شد کاهش مصنوعی تورم با جرقه بازگشت تحریم های آمریکا، روندی معکوس در پیش گیرد و دولت روحانی را زکوردار بزرگ ترین تورم دو دهه اخیر کند. به طوری که طبق آمارهای مرکز آمار، نرخ تورم سالانه سال ۹۹ به ۳۶/۴ درصد رسید.

تلخ ترین آمار اقتصادی مربوط به دهه ۹۰ متعلق به رشد اقتصادی است؛ شاخصی که مقام معظم رهبری هم به آن اشاره کردند. در این دهه با وجود اینکه روی کاغذ، مذاکرات هسته ای به نتیجه رسید و تا حدودی تحریم های مالی نیز رفع شد؛ اما رشد اقتصادی یک رفت و برگشت عجیب را تجربه کرد. به طوری که ایران در روزهایی رشد اقتصادی بالای ۱۰ درصد را با فروش نفت خام تجربه کرد و چند سال بعد با برملا شدن مسیرهای دور زدن تحریم، این متغیر اقتصادی منفی شد. نتیجه اینکه میانگین رشد اقتصادی در دهه ۹۰ برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب ۰۲۷ درصد یا معادل صفر شد. شرطی شدن اقتصاد و تأکید بیش از اندازه مردان اقتصادی روحانی برای تفسیر رشد اقتصادی به فروش نفت، اصلی ترین دلیل این اتفاق بود.

کنشگران سیاسی و مسئولان قوای سه گانه و سایر نهادها باید مشکل اقتصادی کشور را که مبتلا به بخش بزرگی از مردم است، به عنوان ضرورتی دخیل در مشارکت در نظر بگیرند.



صبح نو به بررسی راه های افزایش مشارکت انتخاباتی پرداخته است

به سوی رقابت جناح چپ-جناح راست می رویم؟

مؤلفه های تأثیرگذار بر عرصه انتخابات موارد متعددی است. تقریباً تمامی کنش های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، بین المللی و اجتماعی بر تصمیم گیری مردم بر نوع انتخاب کاندیدا یا حتی اصل حضور یا عدم حضور در پای صندوق های رأی مؤثر است. بنابراین هم نهادها و هم طیف های مختلف سیاسی و هم بخش های مختلف جامعه در مشارکت انتخاباتی سهیم هستند.

وضعیت فعلی مشارکت چگونه است؟

مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) گزارشی از آمار یک نظرسنجی درباره انتخابات منتشر کرده که در شرایط کنونی، مشارکت مطلوبی را نشان نمی دهد. بر اساس این افکارسنجی ۲۷.۹ درصد از جامعه آمار اعلام کرده اند که قطعاً در انتخابات شرکت می کنند و نزدیک به ۴۰ درصد هم گفته اند به هیچ وجه پای صندوق رأی نمی آیند.

حال وای میزان دقت و اتقان این نظرسنجی آن هم در شرایط غیر انتخاباتی فعلی و چند ماه مانده به انتخابات، آنچه بیش از پیش اهمیت دارد، این است که هم مردم و هم کنشگران سیاسی و مهم تر از همه مسئولان قوای سه گانه و تمامی دستگاه های خصوصی و حاکمیتی و احزاب و گروه های سیاسی به این امر توجه جدی داشته باشند که منفعت ملی قطعاً در افزایش حضور و مشارکت مردم در صحنه انتخابات است.

این اهمیت از آنجاست که به تجربه تاریخ، هر موقعیتی که مردم به عنوان صاحبان اصلی این کشور در آن حضوری جدی داشته اند، موفقیت های بی بدلی رقم خورده و هر جا مردم حتی در جایگاه دوم تصمیم گیری و کنش ها قرار گرفته اند، موجب خسران شده است.

از همین رو رهبر انقلاب در سخنرانی ابتدایی سال ۱۴۰۲ در جمع زائران حرم رضوی به اهمیت توجه به جامعه اشاره می کنند. ایشان می فرمایند: «من در گذشته چند بار در سخنرانی های عمومی راجع به تحول در جامعه، در نظام، در کشور صحبت کرده ام؛ امروز یک مقدار با خصوصیات بیش تری در این زمینه صحبت می کنم؛ این لازمه اهمیت مسأله است. مسائل اساسی باید با افکار عمومی مطرح شود، افکار عمومی با نیازهای اساسی آشنا شوند؛ این گونه اندیشه ها فعال خواهد شد. اندیشه های نو، جوان های صاحب فکر درباره

مسائل مهمی که با افکار عمومی مطرح می شود، فعال می شوند، آن را به نصاب لازم می رسانند؛ لذا مسائل مهم را، از جمله همین مسأله تحول را مطرح می کنیم. اگر افکار عمومی استقبال نکند از یک فکر، این فکر به عمل و تحقق نمی رسد؛ صرفاً یک آوازی در فضا خواهد بود، یک چیزی انسان می گوید، بعد هم فراموش می شود؛ یا چند سطر بر روی کاغذ خواهد بود. برای اینکه خواسته ها و مطالبات بزرگ تحقق پیدا کند، باید با مردم، با صاحبان فکر، با افکار عمومی مردم مطرح شود.»

وای انتخابات، نقش دادن به مردم و ایجاد فرآیندی که آحاد مردم در تصمیم گیری ها و تصمیم سازی های کشور در همه عرصه ها نقش و مشارکت داشته باشند، امری است که نهایتاً باید مشارکت در انتخابات را هم پرمی کند. شاید این اصل را می توان به عنوان «بسط فرهنگ مشارکت» در جامعه تعبیر کرد.

رهبر انقلاب در سخنرانی خود به این اصل به عنوان یک نقیصه در کشور اشاره کرده و می فرمایند: «یکی از اشکالات مهمی که ما داریم، این است که روی راه های مشارکت مردم فکر نکرده ایم. من همین جا به مسئولین محترم، به صاحب نظران اقتصادی، به کسانی که علاقه مند به سرنوشت کشورند توصیه می کنم بنشینند راه های مشارکت عموم مردم در مسائل اقتصادی را پیدا کنند. هر جا مردم وارد شده اند، ما پیشرفت کرده ایم...»

مشارکت در انتخابات مجلس تابعی از رقابت و کارآمدی است. از سویی رقابت معنادار و با پشتوانه اجتماعی به عنوان زیربنای نهاد انتخاباتی موجب فریه شدن امر سیاسی می گردد. چنین رقابتی مستلزم ورود همه احزاب موثر با گفتمان متفاوت در عرصه انتخابات است. اهمیت رقابت به میزانی است که در کنار مؤلفه هایی چون مشارکت و امنیت و سلامت مورد تأکید رهبر انقلاب قرار گرفت. حرکت به سمت فهرست های متحد اصول گرا و اصلاح طلب شرط لازم وارد

یادداشت

اصلاح طلبی؛ ظرفیتی در محاق قدرت طلبی



مرتضی کامل نواب

فعال سیاسی

را طی کرده و تبدیل به اپوزیسیون در قدرت شده بودند. از مجلس ششم تا مجلس دهم و از دولت هفتم تا دولت دوازدهم. لذا پس از تند شدن این جریان علیه نظام، انتظار تأیید دوباره برای قدرت ورزی کمتر منطقی بود. گرچه معتقدم هنوز هم در میان فعالان اصلاح طلب، هستند افرادی که حداقل های مربوطه را برای حضور در قدرت دارند.

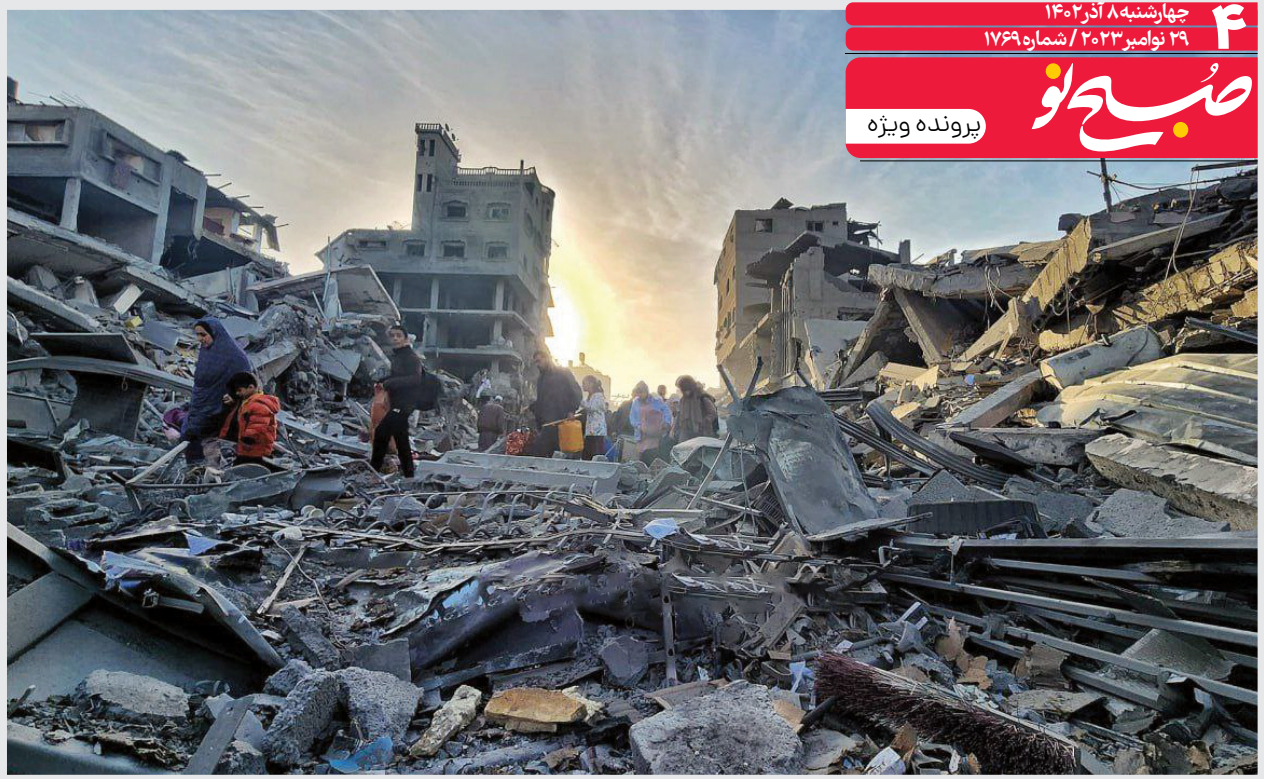
اما حالا و در شرایط کنونی، باز هم می بینیم که برخی از چهره ها و متولیان جبهه اصلاحات، خود را خارج از جریان انقلاب و تصمیمات کلان نظام تعریف می کنند. مهم ترین اتفاق این روزها؛ یعنی آنچه پس از طوفان الاقصی رخ داد، نشان داد که برای برخی از این افراد، بازتعریف روایت غربی مهم تر از آن چیزی است که به چشم دیده می شود. اینان به جای آنکه موضوع را از دریچه انسانی و سپس منافع ملی ببینند، از منظر غربی دیده و حتی فلسطینیان مظلوم را مورد خطاب قرار دادند. حال اینکه حتی اگر نگاه اسلامی و دینی هم نمی داشتند، باز هم باید از اتفاق رخ داده به واسطه اثر شگرفش در امنیت ملی و منافع ژئوپلیتیک ایران و نیز حمایت از مردم مظلوم و مقاوم غزه، ابراز رضایت کرده و از فلسطینیان حمایت می کردند. در واقع سوال اصلی اینجاست که این دوستان که می خواهند دوباره به قدرت در درون جمهوری اسلامی برگردند، در چنین واقعه مهمی که اثری اساسی برای انقلاب و کشور دارد، در کجای داستان ایستاده و چه موضعی دارند؟

خلاصه اینکه به نظر می رسد جریان اصلاحات می توانست با عقلانیت، صدق خود و وفاداری به آرمان ها و ارزش های کشور، به بالندگی انقلاب اسلامی و نظام کمک کند؛ اما متأسفانه مسیر دیگری را برگزید و با تأسف بیش تر، در همین مسیر پیمایش خود را ادامه می دهد.

انتخاب مردم می گذارند تا اکثریت تصمیم بگیرند چه روشی برای حل مسائل انتخاب شود. اما مشکل از اینجا شروع می شود که این جریانها به جای حل مسائل کشور و اولویت بخشی به منافع کشور، اصلی ترین مسأله خود را قدرت و در مسند بودن بدانند. در اینجاست که می توان مسأله جریان اصلاحات را درک کرد. وقتی در سال ۹۲ با کسانی که سال ها علیه شان متن نوشته و سخنرانی کرده بودند، ائتلاف کردند و در ۹۶ دولتی را تکرار کردند که مشخص شده بود در اداره امور کشور ناتوان است. اینجا بود که اصلاح طلبی «در قدرت بودن» را بر هر چیز دیگری حتی ریشه های گفتمانی خود ترجیح داد.

اما مشکل به اینجا بسنده نکرد. جریان اصلاحات به مرور با کهنگی گفتمان خود، به سمت سیاسی دیدن همه چیز در کشور حرکت کرد و مسائل را به جای اولویت بندی بر اساس اهمیت ذاتی و اساسی، بر اساس باز خورد رسانه ای دسته بندی کرد. مثلاً موضوع حجاب و فیلترینگ را در کشور داغ کردند تا بتوانند در رأس اخبار و ترندهای مجازی کشور حضور داشته باشند. در این وضعیت آنها هم از لحاظ گفتمان تهی شده بودند و هم در اولویت بندی مسائل دچار مخاطره شدند.

همین ها باعث شد به مرور بر اثر نبود یک هسته فکری منسجم و در رفت و برگشت با شرایط بیرونی و البته برخی کنش های نادرست داخلی، از نظام دور شوند. باید دقت داشت که نظام در تمام چهل و پنج سال گذشته به این جریان امکان قدرت ورزی داده بود؛ اما اینان پس از تکیه زدن به قدرت، مسیر دیگری



رژیم صهیونیستی با چه موانعی مواجه است

هراس رژیم اسرائیل از فروپاشی اجتماعی و اقتصادی

روح‌الله فرقانی: روزنامه‌نگار / نتانیاهو دریافته است که موانع زیادی در امور داخلی و بین‌المللی وجود دارد که مانع ادامه جنگ در غزه است. اگرچه افکار عمومی جهان با بیدار شدن نسبت به جنایت‌های ارتش اسرائیل در غزه، به تظاهرات گسترده دست زدند و با فشار بر دولت‌های خود موجبات تعلیق روابط با این رژیم جعلی را فراهم کردند؛ اما نتانیاهو در امور داخلی رژیم اسرائیل هم اوضاع چندان مطلوبی ندارد؛ چرا که برگزاری تظاهرات گسترده علیه سیاست‌های جنگی نتانیاهو و همچنین خانواده‌های اسرای اسرائیلی، موجب شده است او در اقدامات نظامی خود تعلل و توقیفی داشته باشد. نتانیاهو که ۴۷ روز بی‌امان به غزه یورش وحشیانه برد، از آتش بس چهار روزه استقبال کرد و حتی بار دیگر بر تمدید آن تأکید داشت تا فرصتی فراهم شود تا چهره جنایتکارانه خودش را از سطح رسانه‌های جهانی که یک روزی با سیاست‌های استعماری او همراه بودند و اکنون به تقابل و نقد تند آن همراه شدند، بکاهد. مقامات رژیم صهیونیستی سال‌ها با پروپاگاندای و چتر رسانه‌ای جهان توانستند به ادامه اشغالگری خود در فلسطین ادامه دهند، اکنون زیر تیغ نقد رسانه‌های جهان قرار گرفته‌اند و خواستار محاکمه مقامات صهیونیستی به‌عنوان جنایتکاران جنگی هستند. نتانیاهو با فشارهایی که از داخل و همچنین افکار عمومی جهانی که با آن روبه‌رو است، به دنبال راهی برای فرار از باتلاقی است که خودش در غزه ساخته است. باتلاقی که پایانی بر عمر سیاسی او در اراضی اشغالی است. او همچنین از فروپاشی اجتماعی و اقتصادی و جنگ طولانی مدت در غزه در هراس است.

درخواست رژیم اسرائیل بر ادامه میانجی‌گری آتش بس غزه برای بار دیگر تمدید شد تا فرصتی باشد

برای فرار رژیم صهیونیستی از معادلات شکست خورده نتانیاهو. روز سه‌شنبه بود که آمریکا، مصر و قطر در آخرین

این آتش بس موقت تبدیل به آتش بسی دائم شود. آتش بس در غزه که از روز جمعه آغاز شده بود، ساعت ۲۴ سه‌شنبه به پایان رسید.

این آتش بس شامل چهار مرحله تبادل اسرا میان حماس و رژیم صهیونیستی بود. در روزهای جمعه، شنبه و یکشنبه در هر روز ۳۹ اسیر فلسطینی در ازای ۱۳ اسیر صهیونیست آزاد شدند. پیرو تبادل اسرا، ماجد الانصاری، سخنگوی وزارت خارجه قطر روز شنبه در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان اظهار کرد: «امیدوار هستیم انگیزه حاصل از عملیات آزادی و این توافق چهار روزه به ما این امکان را بدهد که این توافق را پس از اتمام چهار روز، تمدید کرده و وارد مذاکرات جدی تری درباره باقی اسرا شویم.» نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در غزه در شرایطی ادامه دارد که ۳۵۴۷ کودک در حملات کور رژیم اسرائیل به شهادت رسیده‌اند و افکار عمومی جهان علیه اشغالگران و حامیان خونخوار آنها است.

موانع موجود نتانیاهو در ادامه جنگ غزه

موانع زیادی در برابر رژیم صهیونیستی برای ادامه جنگ قرار دارد. البته نتانیاهو تلاش می‌کند با کشتار فلسطینیان، سرپوشی برای شکست سنگین خود در برابر حماس در عملیات طوفان الاقصی بگذارد. علاوه بر این، نتانیاهو استدلالی را تکرار می‌کند که پیش‌تر درباره ایران بارها در مجامع بین‌المللی از جمله سازمان ملل مطرح کرده بود. اینکه اگر در این مرحله، محور مقاومت را متوقف نکنیم، دیگر از کنترل خارج خواهد شد و پیروزی‌های بعدی نیز از آن حماس خواهد بود. واقعیت امر این است که شکست رژیم اسرائیل در این جنگ به معنای پایان عمر سیاسی نتانیاهو است.

در جنگ ۳۳ روزه با لبنان، همین اتفاق برای اولمرت، نخست‌وزیر وقت رخ داد که بعد از جنگ خانه‌نشین شد و نتانیاهو از تکرار این سرنوشت برای خودش می‌ترسد. موضوعی که تحلیلگران مختلف جهان برآنند که در نخستین روزهای پساجنگ غزه، شاهد سقوط و مرگ سیاسی نتانیاهو خواهیم بود.

هراس نتانیاهو از فروپاشی اقتصادی رژیم اسرائیل

اقتصاد رژیم اسرائیل از دیگر موضوعاتی است که جنگ غزه بر آن سایه انداخته است. اقتصاد رژیم صهیونیستی در حالت تعطیلی است و به تبع آن شرکت‌های بزرگی که مثل حلقه‌های زنجیر به هم وصل هستند و آشخور آن‌ها رژیم صهیونیستی است، دچار اختلال شده‌اند. البته نباید ناتوانی ارتش رژیم اسرائیل در مدیریت جنگ طولانی مدت را هم نادیده گرفت.

هرچند آمریکا هزاران نیروی کمکی به رژیم اشغالگر داده است، ولی خود آمریکایی‌ها هم توان آن چنانی در جنگ‌های زمینی ندارند و توفیقات چشمگیری در این زمینه نداشته‌اند.

زمزمه آتش بس دائم در سازمان ملل

طرفین روز گذشته در حالی برای تمدید آتش بس موقت خیز برداشته بودند که آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل هم‌زمان با زمزمه‌های تمدید، خواهان آن شد که

و نظامی به نتانیاهو وارد کرده است. گفت: «نتانیاهو ضربه بزرگی از جنگ خورد؛ چرا که او نخست‌وزیر وقت است و همه اتفاقات و رویدادها را از چشم او می‌بینند و او را مقصر این رخداد برمی‌شمارند. در عین حال اتفاقات بعد از جنگ به‌ویژه اسرای صهیونیست و اعتراض خانواده آنها هم مزید بر علت شده و نتانیاهو را در شرایط سخت تری قرار داده است.

عملیات طوفان الاقصی در همان روز اول با توجه به ابعاد و شکست اطلاعاتی رژیم صهیونیستی سبب پیروزی فلسطینی‌ها شده است و رژیم صهیونیستی با نزدیک به پنجاه روز حمله به غزه، مشغول کاستن از سنگینی شکست وارده بر خود بود.»

فشار افکار عمومی جهان در محکومیت رژیم اسرائیل

وی با بیان اینکه نتانیاهو نه محبوبیت مردمی دارد، نه محبوبیت سیاسی، تأکید کرد: «منبع فشار اصلی و اعتراضات علیه نتانیاهو در داخل رژیم اسرائیل است و او دیگر نه اقبال مردمی دارد، نه اقبال سیاسی. البته در این میان، فشارهای خارجی هم وجود دارد، به خصوص افکار عمومی جهان، صدای ملت‌ها و دولت‌های مختلف جهان که عملاً شخص نتانیاهو را به خاطر این جنایت‌ها و کشتن زنان و کودکان غزه، مقصر می‌دانند. بیش‌تر از این که فشارها

شعبی بهمین در گفت‌وگو با «صبح‌نو» آینده سیاسی نتانیاهو در پساجنگ غزه را بررسی کرد

سقوط قریب الوقوع نتانیاهو

شعبی بهمین، رئیس مؤسسه مطالعاتی «جهان معاصر» ایران و تحلیلگر مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «صبح‌نو» با اشاره به موانعی که نتانیاهو برای ادامه جنگ غزه با آن مواجه است، عنوان کرد: «مشکلاتی که سر راه نتانیاهو در ادامه جنگ در غزه وجود دارد، بیش‌تر داخلی است. او پیش از جنگ غزه، با مشکلات متعدد داخلی روبه‌رو بود که بارها تظاهرات گسترده مردمی را در اراضی اشغالی شاهد بودیم.»

پایان عمر سیاسی نتانیاهو

این کارشناس ارشد امور بین‌الملل با اشاره به اینکه پس از پایان جنگ غزه، برکنار شدن نتانیاهو از قدرت حتمی است، تصریح کرد: «نتانیاهو می‌داند که پس از پایان جنگ با مشکلات عدیده‌ای در داخل مواجه خواهد شد و سقوطش حتمی است. اکنون هم جسته و گریخته به آتش بس تن داده است، این موضوع پیش از اینکه فشار خارجی باشد، بیش‌تر تحت فشار داخلی است. قبل از این اتفاقاتی که در غزه در حال روی دادن است، در اراضی اشغالی شکاف‌های اجتماعی به شدت زیاد شده بود و اعتراضات داخلی علیه دولت صهیونیستی وجود داشت.»

افزایش شکاف‌های اجتماعی و سیاسی رژیم اسرائیل

وی ادامه داد: «شکاف‌های رژیم اسرائیل تا آنجا پیش رفته که با ائتلافی که نتانیاهو با افراتی‌های صهیونیستی داشت، دولت شکل گرفت. با همه این مسائل، این شکاف و اختلافات بیش‌تر از گذشته شده و ادامه جنگ غزه هم موجب بیش‌تر شدن این شکاف اختلافاتی شده است.»

نتانیاهو، مقصر بزرگ

این کارشناس مسائل سیاسی با بیان اینکه جنگ غزه، یک ضربه بزرگ امنیتی

گفت‌وگو

موج حمایت از فلسطین در جهان

بعد از درگیری های ۷ اکتبر (۱۵ مهر) بین مقاومت و رژیم صهیونیستی، حملات هوایی این رژیم علیه حماس شدت یافت و هر روز بر ابعاد آن افزوده شد. بعد از گذشت چند روز ابتداء یک بیمارستان مورد حملات موشکی قرار گرفت که در آن، تعداد زیادی از کودکان و زنان کشته شدند و سایر مراکز درمانی غزه پس از آن شاهد حملات مشابه بودند. نزدیک به ۱۵ هزار فلسطینی عمدتاً زن و کودک در حملات رژیم اسرائیل به غزه از ۷ اکتبر تاکنون جان خود را از دست داده‌اند. این نخستین باری نیست که رژیم صهیونیستی دست به چنین اقداماتی می‌زند؛ اما این بار به دلیل وجود رسانه‌های مختلف و انتشار اخبار آن به کل جهان، موجب واکنش‌های گسترده‌ای در سطح جهان شد، ولی متأسفانه حملات رژیم اسرائیل گسترده‌ترین شده و با وجود انتشار تصاویر و اقدامات هولناک که به تعبیر بسیاری از کارشناسان جنایت علیه بشریت خوانده می‌شود، این نسل‌کشی همچنان ادامه دارد. از آنجا که بخش زیادی از مردم جهان نمی‌توانستند به دلایل مختلف، خود را به منطقه غزه برسانند؛ بنابراین تنها راه باقی‌مانده ابراز همدردی و محکوم کردن جنایت‌های صهیونیست‌ها، حضور در تجمع‌ها و راهپیمایی‌های مختلف است تا از این طریق بتوانند با فشارهای رسانه‌ای، از حملات این رژیم به غزه جلوگیری کنند. طیف‌های گسترده‌ای از مردم کشورهای سراسر جهان در اعتراض به جنایت‌های رژیم صهیونیستی به خیابان‌ها آمده‌اند و حتی اکنون هم برقراری آتش‌بس در منطقه غزه، جلوی خشم مردم جهان از سیاست نسل‌کشی صهیونیست‌ها را نگرفته است و در آخرین مورد، کلانشهرهای بین‌المللی مجدداً شاهد حضور طرفداران فلسطین در خیابان‌ها بودند.

سرزمین‌های اشغالی سوق می‌دهد. میرشایمر بر آن است که او با ما هم طی دو سال اول حکومت خود نتوانسته است مانع اسرائیل در ایجاد اعراب شود و طی سالیان آتی هم موفق به این کار نخواهد شد.

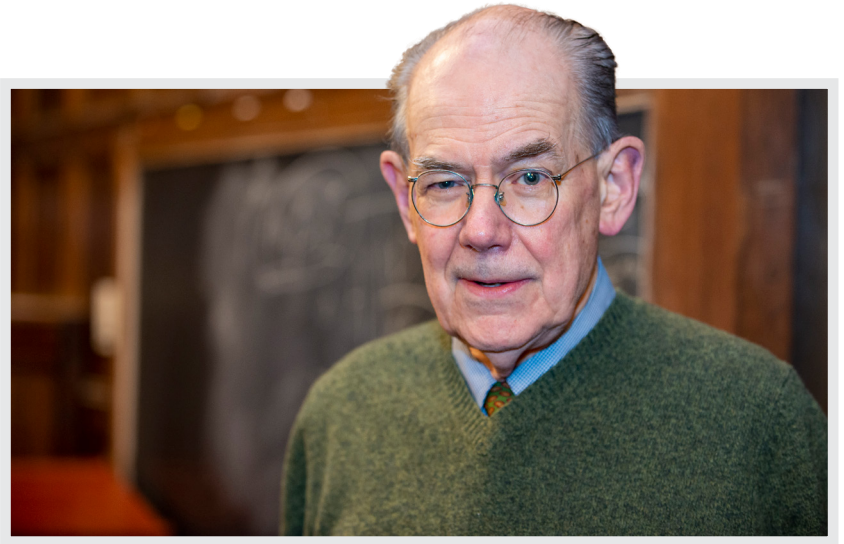
جان میرشایمر که استاد علوم سیاسی در دانشگاه شیکاگو است، نکته مهم و شوکه‌کننده‌ای را می‌گوید که در یک مرکز تحقیقاتی صهیونیست‌ها متوجه شده است. او در این باره چنین اظهار داشته است: «من اعتقاد دارم اسرائیلی‌ها حمله خود را به گونه‌ای آغاز کرده‌اند که منجر به نتایج معکوس شده است. من فکر می‌کنم که خشم و هیجان در کشتار تعداد زیادی از غیرنظامیان از نظر اخلاقی اشتباه است؛ اما این‌گونه اقدامات به نفع راهبردی آنها نیز نیست و چیزی به آن‌ها نمی‌دهد، بلکه برای آنها هزینه‌های زیادی را در برداشته است، زیرا مردم در سراسر جهان اکنون ضد اسرائیل شده‌اند.»

روایت یک استاد دانشگاه آمریکایی از انزوای رژیم صهیونیستی

وی با اشاره به بازديدش از یک پژوهشگرده اسرائیلی که در خصوص اعتراضات ضد صهیونیسم در کشورهای جهان، تحقیق می‌کرده است، افزود: «پژوهشگرده اسرائیلی که تظاهرات و تجمعات ضد اسرائیلی را در سراسر جهان بررسی کرده، طبق این تحقیقات گفته شده است که ۶۹ درصد از مردم جهان پس از ۶ روز اول از فلسطین حمایت کرده‌اند.»

وی تأکید کرد: «من معتقدم که آنها آن ۳۱ درصد دیگر را جدی می‌گیرند؛ بنابراین اگر از روز ۱۳ اکتبر تاکنون به آمار اعتراضات ضد اسرائیل نگاه کنیم، ۹۵ درصد از فلسطین حمایت کرده‌اند و تنها پنج درصد با اسرائیل همراه بوده‌اند.»

این نکته به خوبی نشان می‌دهد که افکار عمومی در سراسر جهان علیه رژیم اسرائیل شده‌اند و اگر به برخی از این تظاهرات در جاهایی مثل لندن و واشنگتن دی سی نگاه کنیم، مشاهده تعداد افرادی که برای دفاع از فلسطین بیرون آمده‌اند، شگفت‌انگیز است.



جان مرشایمر: حمایت آمریکا از اسرائیل نه اخلاقی است نه استراتژیک

صهیونیستی به ستوه بیایند.

البته جان میرشایمر مدت‌هاست که در باب کم و کیف حضور لابی طرفدار اسرائیل در کریدورهای قدرت آمریکا تحقیق می‌کند. تراساسی او این است که حمایت بی حد و حصر آمریکا از رژیم اسرائیل نه دلیل اخلاقی دارد و نه توجیه استراتژیک، بلکه این لابی قدرتمند آمریکاست که صاحب‌منصب‌های آمریکا را به سمت حمایت از سیاست‌های بی‌رحمانه صهیونیست‌ها در

پس از تحولات اخیر در پی عملیات طوفان الاقصی، فاز جدیدی از جنایت‌های رژیم صهیونیستی آغاز شد و این موضوع واکنش‌های جهانی را در سطوح مختلف در پی داشت و مسئولان و افسار مختلف جوامع جهانی این بار به طور مستقیم و نقادانه، سیاست‌های بی‌رحمانه و نژادپرستانه صهیونیست‌ها را مورد نقد قرار دادند. این روند موجب شده حتی فعالان سیاسی مثل جان میرشایمر هم از اقدامات جنایتکارانه و مافیایی رژیم

گفت‌وگو

ابوالفتح در گفت‌وگو با «صبح نو»:

رژیم صهیونیستی حامیانش را از دست داده

طرف مقابل است، ادامه داد: «البته این نکته طبیعی هم هست و در روزهای اول همدردی با رژیم اسرائیل در فضای مجازی غرب، نمود داشت و فضای روانی غرب به نفع رژیم اسرائیل بود. به این دلیل که رسانه‌های صهیونیستی سعی داشتند با دروغ‌نمایی و اغراق، چهره خشنی از حماس نشان دهند.»

چرخش حامیان سابق نتانیاهو

ابوالفتح تصریح کرد: «با شدت خشونت‌های رژیم اسرائیل در جنگ به کار برد، افکار عمومی و اندیشکده‌های علیه صهیونیسم چرخید. حتی سیاستمدارانی که زمانی تمام‌قد از رژیم اسرائیل حمایت می‌کردند، در هفته‌های گذشته کاملاً مواضع خود را تغییر دادند.»

وی افزود: «حامیان پیشین رژیم

امیرعلی ابوالفتح، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «صبح نو» اظهار کرد: «در مورد اخیر که آقای میرشایمر که استاد بزرگ مسائل سیاسی در دانشگاه شیکاگو هستند، به آن اشاره داشته‌اند، ایشان این مطالب را از یک مؤسسه نقل می‌کنند که کار آن مؤسسه تحقیقات بر مسائل ضد یهود در جهان است.» وی افزود: «جدای از این موضوع، شواهد و قرائن نشان‌دهنده این هستند که تظاهرات و تجمعات به نفع فلسطین، به مراتب پرتعدادتر از تجمعات حمایت از رژیم صهیونیستی هستند و در اروپا، آمریکا، آفریقا و جهان اسلام هم موضع مردم همین است.»

این کارشناس مسائل بین‌الملل با بیان اینکه در فضای مجازی هم این نکته قابل مشاهده است که حمایت از فلسطین دارای کمیت و کیفیت بیش‌تری نسبت به



که اولاً این آتش‌بس طولانی مدت نیست و بعد از تلاش‌های بسیار جو بایدن، دو روز به مدت آتش‌بس اضافه شد.»

این کارشناس مسائل بین‌الملل تصریح کرد: «این در روز الحاقی هم با تکرار رایزنی‌های آمریکا و جامعه جهانی با نتانیاهو برای توقف جنایت‌هایش صورت گرفته و البته این اتفاق با خط و نشان‌های صهیونیست‌ها در خصوص حمله دوباره به بیمارستان‌ها همراه بود.»

ابوالفتح گفت: «افکار عمومی هنوز نگران است و در روز گذشته عده‌ای هم به کاخ سفید رفتند و با اعتصاب غذا، خواستار ایجاد آتش‌بس دائمی شدند.»

آتش‌بس فعلی برای اقدامات بشردوستانه بسیار کوتاه است

وی با بیان اینکه بعد از آتش‌بس موقتی، طرفداران فلسطین به سراغ آتش‌بس‌های دائمی و طولانی رفته‌اند. اظهار کرد: «این مدت‌زمان برای اقدامات بشردوستانه کافی نیست و آتش‌بس‌های طولانی مدت تر برای کمک‌رسانی به مردم غزه مورد نیاز است، به طوری که این آتش‌بس‌ها حداقل دو الی سه هفته ادامه داشته باشند.»

این کارشناس مسائل بین‌الملل گفت: «تجمعات حمایت از فلسطین در جهان ادامه دارد و این تظاهرات با هدف فشار آوردن به رژیم اسرائیل برای ایجاد آتش‌بس دائمی یا بلندمدت برگزار می‌شوند.»

صهیونیستی به تدریج طی دو، سه هفته اخیر از زیاده‌روی و جنایت جنگی ارتش اسرائیل صحبت کردند و این نشان می‌دهد که جنایت‌های صهیونیست‌ها به قدری وحشیانه بوده است که حامیان سابق هم از موضع پیشین خود چرخش کرده‌اند و این رژیم حامیانش را از دست داده است.»

این کارشناس مسائل بین‌الملل با اشاره به اینکه فضای افکار عمومی اصلاً به نفع رژیم اسرائیل نیست، یادآور شد: «رژیم اسرائیل دو، سه هفته پس از حمله به غزه با جنایت‌هایی غیرانسانی، مردم و شهروندان غیرنظامی فلسطینی را مورد هدف قرار داد. حجم این جنایت‌ها به قدری بالا بود که اعتراضات جهانی را به دنبال داشت.»

خط و نشان‌های رژیم اسرائیل برای جنایت مجدد

ابوالفتح با اشاره به تعدد اعتراضات سیاستمدارانی که یهودی هم هستند و منتقد رفتارهای دولت اسرائیل اند، خاطر نشان کرد: «تعداد زیادی از این افراد هستند که با تاندروی‌های نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی موافق نیستند و نتانیاهو را مسئول به وجود آمدن موج ضد صهیونیسم جهانی می‌دانند.»

وی اظهار کرد: «حتی اکنون هم که آتش‌بس موقت برقرار شده، تجمعات حامیان فلسطین ادامه دارد و این به آن خاطر است

در غزه ادامه دهد، موضوع برایش سخت و دشوار است و به راحتی نمی‌تواند این کار را ادامه دهد.»

این کارشناس مسائل بین‌الملل با اشاره به اینکه احتمال از سرگیری حملات هوایی رژیم اسرائیل در غزه وجود دارد، گفت: «آنچه می‌توان برای روزهای آتی یا پس از پایان آتش‌بس تحلیل کرد، این است که اگر هم جنگ ادامه یابد، احتمالاً جنگ محدود و هوایی خواهد بود، نه نبرد نظامی به‌مانند آنچه که در روزهای گذشته دیدیم؛ چراکه نتانیاهو می‌داند که هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی شکست خورده جنگ غزه است و پس از این رخدادها باید شاهد سقوطش باشد.»



است، تصریح کرد: «نظامیان اسرائیلی در جنگ داخلی با شکست مواجه شدند، راهبردی نتانیاهو در حمله زمینی هم به جایی نرسید و نتوانست به موضوع مسلط شود. اگر هم آتش‌بس هم شکسته شود و دوباره جنگ را شروع کند، به سختی می‌تواند مجموعه اسرائیل و جریان‌ها یا نظامیان را دوباره دور هم جمع کند که بخواهند عملیاتی انجام دهند.»

رئیس مؤسسه مطالعاتی «جهان معاصر» ایران با اشاره به آینده تحولات غزه، یادآور شد: «بعید به نظر می‌رسد نتانیاهو جنگ را ادامه دهد؛ اگرچه این امر بیش‌تر احتمال دارد که حملات هوایی ادامه یابد، ولی تمایل نتانیاهو برای جنگ گسترده نیست؛ چراکه جانش‌های مختلفی در عرصه داخلی و بین‌المللی دارد و در داخل و خارج با فشارهای سیاسی، امنیتی و نظامی روبه‌رو است.»

احتمال از سرگیری حملات هوایی

وی با اشاره به اینکه شیوه اقدامات نتانیاهو نادرست است، افزود: «شیوه‌های کاربردی او در باره رخدادهای اخیر غزه نادرست و محکوم است. موضوع مهم‌تر اینکه وجهه‌ای که رژیم اسرائیل در سال‌های گذشته و تسلط یهودیان روی رسانه‌ها داشت، عملاً از بین رفت و اگر بخواهد جنگ تمام‌عیاری را همچنان

دولتی باشد، مردمی و افکار عمومی داخلی و جهانی است که علیه نتانیاهو شکل گرفته است.»

سقوط قریب‌الوقوع نتانیاهو

این کارشناس ارشد مسائل منطقه با اشاره به اینکه اگر جنگ تمام شود، سقوط نتانیاهو قریب‌الوقوع است، افزود: «این یک نظریه است که اگر جنگ تمام شود، سقوط او قریب‌الوقوع است و به این علت در نتانیاهو علاقه‌ای برای پایان جنگ نمی‌بینیم.»

فشارهای داخلی که قبلاً به آن اشاره کردیم و چند پاره شدن کابینه نتانیاهو در داخل و همچنین استعفا یا قهر برخی وزرا با نتانیاهو، موجب فشارهای ساختاری به او شده است. در کنار فشار افکار عمومی جهانی باید دید نتانیاهو جنگ را تا کجا ادامه می‌دهد. با توجه به آینده جنگ و تغییراتی که در امور داخلی رژیم اسرائیل در حال رخ دادن است، طبق پیش‌بینی‌ها می‌توان گفت، سقوط دولت نتانیاهو قطعی است.»

ناتوانی رژیم اسرائیل در ادامه جنگ

بهمین با بیان اینکه رژیم صهیونیستی عملاً در جنگ زمینی شکست خورده

دشواری‌های ژانر معمایی در سریال سازی ایرانی

«مرداب» بی‌قصه



«مرداب» یکی از سریال‌های این روزهای شبکه نمایش خانگی است که در ژانر درام و معمایی ساخته شده است. این سریال توسط بروز نیک‌نژاد کارگردانی شده، تهیه‌کنندگی «مرداب» را هم محمد شایسته برعهده دارد که پیش‌تر با تهیه‌کنندگی فیلم‌های طنز و کمدی سینما شناخته می‌شود. نخستین قسمت از این سریال از چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۲ در پلتفرم فیلم‌نت پخش شد. شهرام حقیقت‌دوست، پانته‌آ پناهی‌ها، حامد کمیلی، مجتبی پیرزاده، الهام اخوان و ستاره پسیانی از بازیگران شناخته شده این سریال هستند. مهدی هاشمی هم به‌عنوان بازیگر پرکار این روزهای سینما و شبکه نمایش خانگی در سریال «مرداب» هم حضور دارد.

ماجرای مرداب

اما قصه این سریال حول چه موضوعاتی است که مخاطب را جذب خود کند. ماجرای «مرداب» از این قرار است که «با درپیش بودن یک معامله غیرقانونی پرسود، آدم‌های مختلفی خواسته و ناخواسته به این موضوع وارد می‌شوند و تجربیات مختلفی را پشت سر می‌گذارند». این کل داستان یک خط سریال است که بعد اتفاقات و داستانک‌های پیرامون همین یک خط ترسیم شده است. البته قصه از منظر معمایی، توان کشیدن و همراه کردن مخاطب با خود را دارد؛ اما از سوی دیگر این نوع قصه در بین مخاطبان ایرانی چندان محبوب نیست و گویی مخاطب ایرانی فعلاً سرآشتی و علاقه به این نوع ژانرها را ندارد.

داستان از کجا شروع می‌شود؟ مهدی هاشمی (فیاض) با مرگ فرزندش روبه‌رو می‌شود، پسرش (پارسا) در دریا غرق شده و او با بیکری جانش مواجه می‌شود. این حادثه قرار است شبیه به خودکشی یا غرق شدن باشد و از همین جاست که شخصیت‌هایی در پی معرفی می‌شوند و با ادامه داستان ارتباط آن‌ها با یکدیگر و تأثیرشان بر روابط حاکم بر قصه بروز و ظهور پیدا می‌کند. درهم‌تنیدگی ارتباطات و جزئیاتی که در خلال هر رابطه در نظر گرفته شده، بیننده را وامی‌دارد که لحظه‌ای چشم از صفحه نمایش بردارد، چون خصوصاً در قسمت‌های ابتدایی، غفلت از داستان می‌تواند باعث عدم دریافت درست و سردرگمی در ادامه روند قصه در ذهن مخاطب را در پی داشته باشد.

«مرداب» در مجموع در انتخاب بستر روایی داستان، اتمسفر قصه و لوکیشن‌های ماجراجویانه‌ای که برایش انتخاب و طراحی شده است، ترکیب جذابی را به نمایش گذاشته و در بازی گرفتن از بازیگران و نمایان ساختن وجوه پیش از این دیده نشده آن‌ها، موفق عمل کرده است.

اما «مرداب» را برزونی‌نژاد که یکی از فعال‌ترین کارگردانان دو دهه اخیر در ایران محسوب می‌شود، ساخته است. نیک‌نژاد سازنده آثار بسیاری در تلویزیون از جمله سریال «در دسرهای عظیم» بوده است و اخیراً هم سریال «آفتاب‌پرست» را در شبکه نمایش خانگی منتشر کرده بود. تقریباً می‌توان گفت که هر دو سریال جزو آثار موفق محسوب می‌شوند که البته از منظر ژانر با «مرداب» متفاوت هستند. در واقع «مرداب» از کارنامه اخیر نیک‌نژاد ضعیف‌تر است.

بادداشت

توس می‌سازد و اکنون کم و بیش سریال «مرداب» سعی کرده بر مدار آن پیش برود، همین تأکید بر رؤیای پردازی استاندارد و از نوع دراماتیک جذاب و صدالبته ایرانیز شده است.

«مرداب» با داستانی پرکشش و عبور از کلیشه‌های رایج تصویری، یک شبکه خلاقانه‌ای را نشان می‌دهد که همه اجزای آن معلوم است که چرا و با چه پس‌زمینه‌ای در اینجا قرار دارند؛ از کلاهبرداری اموات تا قاچاق عتیقه، سگ‌بازی و اسب‌داری به داستان جفت شده است. حضور محمد شایسته به‌عنوان تهیه‌کننده سریال «مرداب» که بعد از سال‌ها تجربه در مؤسسه قدیمی هدایت فیلم و پله‌پله بالا آمده و به تولید رسیده و سعی می‌کند در هر ژانری، چه کمدی، چه ملودرام و چه جنایی، استاندارد و با به خدمت‌گیری اهل فن، کار بسازد، می‌تواند ویژگی مثبتی برای سریال باشد.

پلیس سریال «مرداب» نه ابرقهرمان است، نه منزوی، نه استریلیزه و درست مانند پلیس واقعی. هر اثری برای آنکه دیده شود و مخاطبان خود را به دست آورد باید نبض روانی جامعه را بشناسد، همان طوری که یک زمان موزیک‌گمگین مورد توجه قرار می‌گیرد و یک دوره موسیقی شاد در آثار تصویری هم این‌گونه است.

برخلاف تصور برخی که حل مشکل خشونت روانی جامعه ایرانی در پی حوادث چند سال گذشته را ساخت آثار طنز و موزیکال می‌دانند، این آثار معمایی و هیجانی از نوع استاندارد است که ظرفیت خشم جامعه را تخلیه می‌کند.

طنز می‌تواند خستگی‌ها و ناراحتی‌ها را التیام بدهد. درحالی‌که از جنبه روان‌شناسی عمومی، این ژانر جنایی و مهیج با تشبیه‌سازی تخیلی، فرد

بر ادبیات پلیسی عامه‌پسند داشتند و توانستند برگردان ایرانی انجام دهند. در سینمای ایران هم تجربه‌هایی مثل «سایه به سایه» علی‌زکان، «گناهکاران» فرامرز قریبیان، «پسرکشی» محمد هادی کریمی، «قرمز» فریدون جیرانی، «رستگاری در هشت و بیست دقیقه» سیروس الوند و «انعکاس» رضا کریمی را داشته‌ایم که به دلیل جذابیت داستان‌های معمایی قرار گرفته در محور درام، جاذبه لازم را برای مخاطب داشته‌اند و ریشه‌ای‌تر که نگاه می‌کنیم، همان «سایه به سایه» بر مبنای فیلمنامه «آوازهای ننه آرسو» ی بهرام بیضایی و «انعکاس» و «رستگاری»... نوشته محمد هادی کریمی بوده‌اند و هر دو نفر جزو معدود مؤلفان قابل‌تأمل سینمای ایران هستند و البته هوشمندی کارگردانان چنین آثاری که به‌جای ژست تألیف به سراغ نویسندگان امتحان پس داده رفته‌اند و کاری کرده‌اند که حتی برگردان تصویری فیلمنامه‌ها هم جذاب باشد.

آنچه چنین آثاری دارند و مثلاً «خونسرد»، «پوست شیر» و «زخم کاری» و «شنای پروانه» ندارند، پلیس ایرانی است و حتی خلاقانها نیز اینجایی نیستند و فقدان علل پدیداری اینجایی است که ضعف کار را می‌سازد و برای همین برای جلب توجه یا به سمت خشونت فیزیکی حرکت کرده و اضطراب روانی را در جامعه منتشر می‌کنند و اگر این ترفندها هم کم بوده، اندکی با نمایش نماهای کاسه‌توالی و استعمال سیگار، مشروب و چند پلان گداگرافی تصویری، ضعف‌های خود را در نمایش درام معمایی و جنایی می‌پوشانند، ولی آنچه درام جنایی خوش ساخت مثل «مزد

یک سرگرمی عامه‌پسند

محمد شاکری

عضو انجمن نویسندگان و منتقدان سینما

سریال «مرداب» آخرین ساخته بروز نیک‌نژاد در حالی نیمه داستان خود را رد کرده که توانسته است کم و بیش مخاطبان علاقه‌مند به ژانر درام‌های جنایی - ماجراجویانه را جذب خودش کند. و رای و امداری به اسلوب ژانر، بازی‌های روان و شخصیت‌پردازی دقیق آدم‌های داستان که تقریباً برای هر یک شناسنامه‌ای قابل‌بسط برای یک سریال تدارک دیده شده، ریتم بالای سریال و تقسیم‌بندی اپیزودیک و حادثه‌محور در هر قسمت، نوید یک کار استاندارد، با محتوا و فرم ایرانی را می‌دهد که قطعاً در ادامه در جریان صنعت سریال‌سازی تأثیرگذار خواهد بود.

سینما و تلویزیون ایران همواره در به تصویر کشیدن دو چهره خلاق و پلیس، دچار مشکل بوده و نگاه اغلب کارگردان‌های کشور به آثار خارجی و تقلید کاریکاتوری از این آثار باعث شده اغلب نه در محتوا و فرم و نه در کارکرد نتوانند اثری که این ژانر در دنیا به‌جای‌گذار را اینجا اجرایی کنند. البته داشته‌ایم تجربیاتی مثل سریال «کارآگاه» حسن هدایت، «شلیک نهایی» محسن شاه‌محمدی، «مزد ترس» حمید تمجدی، «سرنخ» کیومرث پوراحمد که در مدیوم تلویزیون، آثاری قابل‌قبول در ژانر جنایی بودند شاید چون خالقان آثار بیش از کپی‌برداری، نوعی اشراف

مسعود معینی پور در گفت‌وگویی از ایده خود برای نظارت گفت

ضرورت بازآرایی نهادی ساترا



ساترا از همان روزهای اول تولد و زاده شدن خود با حواشی بسیار همراه است؛ نهادی که قرار بود و قرار است برای تنظیم‌گری و کنترل حواشی شبکه نمایش خانگی فعالیت کند، خود تبدیل به محل حاشیه، بحث و اختلافات شده است. اهالی شبکه نمایش خانگی همواره منتقد ساترا بوده و هستند و هیچ‌گاه نتوانسته‌اند با ساترا کنار بیایند. هر چند صداوسیما تلاش کرد هر طور شده ساترا را به نوعی تبدیل به نهاد بالاسری تولیدات شبکه نمایش خانگی کند؛ اما انتقادات اهالی شبکه نمایش خانگی یک طرف، ولی اینکه مدیر سابق سازمان صداوسیما هم به نوعی این انتقادات را تأیید کرده باید احتمالاً مدیران فعلی سازمان را نگران کند.

اخیراً مسعود معینی پور، مدیر سابق شبکه چهارم سیما گفته که ساترا در زمینه تنظیم‌گری، ناکارآمد و دچار بحران است. این سخن از زبان یک مدیر صداوسیما هر چند که عنوان سابق را هم یدک بکشد، احتمالاً برخی تعبیر به اعتراف معینی پور به شکست زود هنگام ساترا خواهند کرد.

معینی پور در ادامه سخن خود گفته است: «تنظیم‌گری ساترا ناکارآمد است، چون زمینه نافرمانی مدنی رسانه‌های غیررسمی را علیه یک سازمان تنظیم‌گر حاکمیتی ایجاد کرده است.» این مدیر سابق شبکه چهارم در ادامه سخنان خود به دو دلیل ناکارآمدی ساترا اشاره کرده و در تحلیل این مسأله بیان داشته است: «دلیل اول اینکه ساترا در اختیار رسانه رسمی کشور است که خودش در رقابت با سایر پلتفرم‌هاست و دلیل دوم اینکه مرزهای تنظیم‌گری نمی‌تواند محدود به رسانه رسمی باشد، چون می‌توانیم اعتماد مخاطب به رسانه رسمی را از طریق رسانه‌های غیررسمی بالا ببریم.»

نکته مهم در سخنان معینی پور که البته از ابعاد و زوایای مختلف می‌توان به آن پرداخت و در این مطلب کوتاه، امکان آن نیست، این مسأله است که از روز اول شکل‌گیری ساترا و حتی قبل‌تر شنیده شدن زمره‌های تأسیس چنین نهادی، این پرسش و ابهام همواره مطرح بوده که صداوسیما به عنوان رقیب شبکه نمایش خانگی آیا می‌تواند و اصلاً عاقلانه است که خود ناظر بر رقیبش باشد؟ و آیا این مسیر منتج به نتیجه خواهد بود یا اینکه بیش‌تر به تعارض‌ها دامن خواهد زد و اصلاً پرسش مهم‌تر این رویه، مسیر و مدل منجر به تقویت صداوسیما و شبکه نمایش خانگی خواهد شد و یا اینکه هر دو را تضعیف خواهد کرد؟

وقتی به این پرسش‌ها و سخنان اخیر معینی پور فکر می‌کنیم به این نکته می‌رسیم که شاید بهتر بود نهادی مانند ساترا بیرون از مجموعه صداوسیما شکل می‌گرفت و این‌گونه هم محدودیت‌های قانونی در آثار نمایش خانگی اعلام می‌شود و هم کیفیت تولیدات دچار مشکل نمی‌شود و تعارض‌های بی‌حاصل هم ایجاد نمی‌شود؛ اما از قدیم گفته‌اند؛ جلوی ضرر را از هر کجا که بگیرد، متفعت است یا اینکه ماهی را هر وقت از آب بگیریم، تازه است. پس تا دیر نشده باید آسیب‌شناسی کرد و طرحی نو در انداخت تا از وضعیت فعلی خارج شود.

یک طرح نو هم می‌تواند تبدیل شدن ساترا از رقیب پلتفرم‌ها به یک نهاد تنظیم‌کننده مقبول و مورد تفاهم باشد.



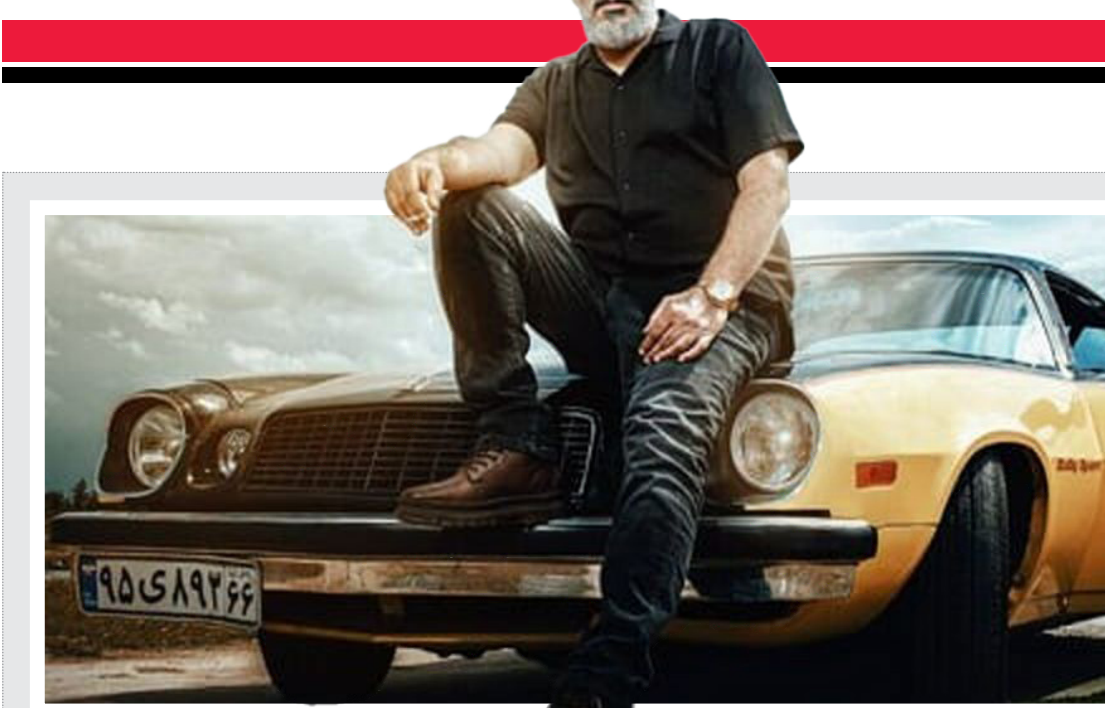
مزایا و معایب «مرداب» نیک‌نژاد

سریال «مرداب» کمابیش شبیه همان کارهای قلبی نیک‌نژاد از منظر فرمی و روایی است و به نوعی جهان فیلم‌سازی نیک‌نژاد در این سریال هم تکرار شده است. در واقع «مرداب» مانند اغلب کارهای نیک‌نژاد، فاقد پیچیدگی است و به اصطلاح، باعث می‌شود که تماشاگران عام به راحتی با سریال ارتباط برقرار کنند. از این جهت، می‌توان گفت که «مرداب» باید طیف گسترده‌ای از مخاطبان را به خود جذب می‌کرد که البته این‌گونه نشد. چرا این‌گونه نشد؟ باید به مسأله فیلم‌نامه پردازی؛ مانند اغلب کارهای برزونیک‌نژاد، بزرگ‌ترین مشکل سریال، فیلم‌نامه است.

فیلم‌نامه‌ای که پراکنده به موضوعات می‌پردازد و نمی‌تواند یک محوریت کلی تعریف کند. در واقع خط داستانی در آثار نیک‌نژاد گم می‌شود و نبود قصه، مخاطب را فراری می‌دهد. نکته دیگر هم که نشأت گرفته از همین ضعف قصه، عدم شخصیت‌پردازی درست است که شخصیت‌هایی را در حد تیپ نگه داشته و همین امر باعث می‌شود مخاطب نتواند به شخصیت‌ها نزدیک شده و احساس هم‌ذات‌پنداری کند.

سریال «مرداب» سکانس‌های عجیب کم ندارد، از بازی عجیب مهدی هاشمی در دقایق ابتدایی سریال تا اسلوموشن‌های متعدد که باعث تعجب مخاطبان می‌شود. تعلیق سریال چندان کاربرد ندارد. با توجه به کلیشه‌هایی که نیک‌نژاد در «مرداب» روایت کرده، حدس زدن ادامه سریال کار چندان سختی نیست.

نیک‌نژاد که توانسته بود با مجموعه «دردسرای عظیم»



بی‌قاعده و بدون نماهای مبتذل توانسته است مسیری رو به رشد برای جنایی‌سازی باشد. «مرداب» یک سرگرمی عامه‌پسند است. درست مثل کاراکتر امیر جعفری در سریال که همه چیز و همه‌کس را اسباب‌بازی می‌داند، حالا «مرداب» هم می‌تواند مخاطب خود را همچون اسباب‌بازی سرگرم کند.

را وارد یک طغیان مصنوعی می‌کند که عوارض خشونت واقعی را از بین می‌برد. مثال آن در فوتبال است که شکاف‌های ملی و قومی در نبردی بدون خشونت ترمیم می‌یابد. «مرداب» هم با وجود وقفه‌هایی که در برخی قسمت‌ها و از حیث ایجاد فضا برای شناخت شخصیت‌های فرعی داشته، در مجموع اثری سرگرم‌کننده است که بدون سیاه‌نمایی جامعه ایرانی، با حداقل خشونت بی‌دلیل، بدون اضطراب‌سازی



@sobhe_no



@sobhe_no



@sobhe_no



@sobhe_no

سامانه پیامکی صبح نو منتظر دریافت دیدگاه‌ها و پیشنهادهای شما
 ۳۰۰۰۱۱۴۱

اذان صبح فردا: ۰۵:۲۵
 طلوع خورشید: ۰۶:۵۳
 اذان ظهر: ۱۱:۵۳
 غروب خورشید: ۱۶:۵۲
 اذان مغرب: ۱۷:۱۱
 نیمه شب شرعی: ۲۳:۰۸

روزنامه فرهنگی، سیاسی
 صاحب‌امتیاز: موسسه مطبوعاتی شمیم صبح فردا
 مدیر مسوول: سعید آجورلو
 تلفن: ۶۶۴۲۰۰۸۰
 رایانامه: info@sobhe-no.ir
 صندوق پستی: ۱۵۷۱۵۱۱۸ کدپستی: ۱۵۸۸۶۱۵۷۱۱
 تهران، خیابان جمالزاده شمالی، قبل از خیابان فاطمی، پلاک ۳۷۱
 چاپ: موسسه جام جم برتر برنا

تصویر



ویرانه‌های آباد

مهم این است که چگونه به ویرانه‌ها بنگری. از نگاه این دو زن فلسطینی، آنچه دیده می‌شود ویرانی نه، بلکه آبادی است، زندگی است. این همان چیزی است که اسرائیل را می‌ترساند. در ظاهر ویران می‌کند اما در باطن آبادی ساخته می‌شود.

گزارش

نمایندگان ایران به دنبال صعود آسیایی

روز سرنوشت
 پرسپولیس و سپاهان



نمایندگان فوتبال ایران با توجه به نتایج هفته چهارم لیگ قهرمانان آسیا، رقابت نزدیکی برای کسب سهمیه صعود به عنوان تیم‌های برتر دوم از گروه‌های پنج‌گانه خواهند داشت. پرسپولیس با تساوی بدون گل در خاک عربستان، امتیاز ارزشمندی برابر النصر کسب کرد و با ۸ امتیاز، جایگاه خودش را در مکان دوم جدول گروه پنجم تثبیت کرد. شاگردان یحیی گل محمدی در هفته پایانی سه شنبه (۱۴ آذر) در استادیوم آزادی مقابل الدحیل قطر قرار می‌گیرند، درحالی‌که تیم قطری، امیدی به صعود ندارد و پیروزی سرخ پوشان با رسیدن به امتیاز ۱۱ این تیم را در آستانه صعود در صورت کسب نتایج لازم در گروه‌های دیگر قرار می‌دهد. گل محمدی این بازی را نبرد مرگ و زندگی توصیف کرد، جایی که پرسپولیس با تکیه بر حمایت هوادارانش می‌تواند به کسب یک پیروزی ارزشمند خانگی امیدوار باشد و حتی برای بهبود تفاضل گل، تلاش کند. سپاهان احتمالاً یکی از رقبای پرسپولیس در مسیر صعود به عنوان تیم برتر دوم است. شاگردان مورایس در هفته چهارم، نماینده عراق را در تهران با یک گل شکست دادند و ۱۰ امتیازی شدند.

سپاهان در روز آخر دوشنبه (۱۳ آذر) مقابل الاتحاد عربستان قرار می‌گیرد و با پیروزی می‌تواند به عنوان صدرنشین صعود کند یا حتی با کسب تساوی و ۱۱ امتیاز در جدول تیم‌های برتر دوم، به صعود امیدوار باشد. مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا در ۱۰ گروه (پنج گروه در منطقه غرب و پنج گروه در شرق آسیا برگزار می‌شود) در این شرایط ۱۰ تیم صدرنشین گروه‌ها مستقیماً راهی مرحله یک‌هشتم نهایی و ۶ تیم برتر دوم به این جمع اضافه می‌شوند. شارجه امارات که در گروه دوم ۸ امتیازی است، یکی از رقبای اصلی برای صعود به عنوان تیم دوم محسوب می‌شود که در روز آخر میهمان الفیصلی اردن است. پرسپولیس و سپاهان (در صورتی‌که در گروه دوم شود) امیدوارند با توقف الشارجه، در جمع تیم‌های دوم برتر قرار بگیرند و به یک‌هشتم نهایی راه یابند. در نهایت باید دید نمایندگان فوتبال ایران می‌توانند در هفته سرنوشت‌ساز پایانی، نتایج لازم را کسب کنند و البته نتایج سایر بازی‌ها نیز به سود پرسپولیس و سپاهان رقم می‌خورد و شاگردان گل محمدی و مورایس در جمع ۱۶ تیم برتر قاره کهن در مرحله حذفی رقابت‌ها حضور پیدا می‌کنند؟

روایت

هم می‌کشند هم اعضایشان را می‌دزدند



یک گروه حقوق بشری مدعی شده صهیونیست‌ها بعد از تصرف بیمارستان الشفا در غزه اعضای شهدای فلسطینی را از بدن‌ها خارج کرده و دزدیده است.

البته اسرائیل مدتهاست به برداشت اعضای بدن متهم شده است. در سال‌های اخیر گزارش‌هایی مبنی بر استفاده غیرقانونی اسرائیل از اجساد فلسطینیان منتشر شده. یک دکتر صهیونیست به نام میرا ویس، در کتاب خود به نام «برروی اجساد مردگان» مدعی شد که اعضای بدن فلسطینیان شهید شده بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۲ از بدن‌ها خارج و در تحقیقات پزشکی در دانشگاه

های اسرائیل مورد استفاده قرار می‌گرفته و به بدن بیماران اسرائیلی پیوند زده می‌شده یا در بازارهای سیاه به فروش رفته است. تحقیقات جنجالی تلویزیون خود رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۴ هم سرصدا به پا کرد. این تحقیقات شامل اعترافات مقامات بلند پایه مبنی بر اینکه پوست اجساد فلسطینیان و کارگران آفریقایی مرده برای معالجه اسرائیلی‌ها، مانند سربازانی که دچار جراحات سوختگی شده‌اند، به کار گرفته می‌شد. مقامات صهیونیست این کار را یک عمل تشبیهی می‌دانند تا خانواده‌ها از شناس دهن عزیزان خود محروم شوند.

نگاه

تهران دودی



نفس بالا نمی‌آید، این بهترین تعبیر از روزهای دودی تهران در پاییز و زمستان است. روزهای تکراری که با فرارسیدن فصل سرما از راه می‌رسند مگر آنکه بارانی بیاد یا بادی بوزد تا آسمان تهران چند ساعتی آبی رنگ به چشم بیاید. شاخص کیفیت هوا در روزهای گذشته در شرایط ناسالم نارنجی قرار داشت و گفته می‌شود در روزهای آتی شرایط وخیم‌تر خواهد شد اما هنوز راه حلی در دسترس نیست؛ مردم کمتر از وسایل نقلیه شخصی استفاده کنند و در انتظار باد و باران بمانند تا شاید هوا بهتر شود. این حکایت روزهای دودی تکراری تهران است.

چهره

مادر شهید الداغی به رهبری چه گفت؟

چهارشنبه هفته گذشته (اول آذرماه) بود که جمعی از قهرمانان ورزش کشور و مدال آوران مسابقات آسیایی و پارا آسیایی در حسینیه امام خمینی (ره) با رهبر انقلاب اسلامی دیدار کردند. در حاشیه این دیدار، رهبر انقلاب به صورت رودررو با برخی از چهره‌های ورزشی محاوره‌ای داشتند. که در این گپ و گفت‌های صمیمی مادر شهید الداغی نیز به چشم می‌خورد.

شهید حمیدرضا الداغی ساعت ۲۱ روز هشتم اردیبهشت در یکی از معابر شهری سبزواری به منظور دفاع از همشهریان خود از سوی چند جوان به شدت مورد اصابت ضربات سلاح سرد قرار گرفت و به فیض شهادت نائل آمد. حضور مادر این شهید در دیدار ورزشکاران با رهبر انقلاب از آن جهت بود که الداغی بازیکن سابق هندبال کشوری و عضو تیم دانشگاه تربت جام در تمامی رده‌های سنی بوده است. مادر شهید الداغی به رهبر انقلاب می‌گوید: «چند سال پیش به عنوان دبیر نمونه خدمت شما رسیدم، امسال به عنوان مادر شهید. «سپس رهبری احوال از زن و فرزند این شهید غیرت را می‌پرسند که مادر می‌گوید، نوهام جزو تیزهوشان است.

